



ژورنال تخصصی خانواده

**دومین کنگره سراسری
آسیب شناسی خانواده در ایران
۲۵-۲۸ اردیبهشت ماه ۱۳۸۵**

**The 2nd National Congress
on Family Pathology in Iran
15-18 May, 2006**



چکیده مقالات

بررسی رابطه بین حمایت اجتماعی (خانواده - دوستان) و سلامت روانی نوجوان

دکتر حمیدرضا آقامحمدیان شریاف*

افسانه قندهاری‌زاده

مرتضی روستایی

در این پژوهش به منظور بررسی رابطه بین حمایت اجتماعی (خانواده - دوستان) و سلامت روانی نوجوان از مقیاس سنجش حمایت خانواده (PSSFA)، حمایت دوستان (PSSFR) و سلامت عمومی (GHG-28) استفاده شد. این سه مقیاس روی یک نمودار ۴۲۰ نفری از دانش‌آموزان دبیرستان‌های نواحی هفت‌گانه مشهد در سال ۷۸ - ۱۳۷۷ که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شده بودند، اجرا گردید روش این پژوهش توصیفی و روش‌های آماری مورد استفاده آزمون T، ضریب همبستگی و تحلیل واریانس یک‌طرفه (ANOVA) می‌باشد. نتایج نشان داد که بین حمایت خانواده و سلامت روانی نوجوانان و نیز کلیه زیرمقیاس‌های سلامت روانی (علائم جسمانی، اضطراب، افسردگی، اختلال در کنش اجتماعی) رابطه معنی‌داری وجود دارد. اما بین سلامت روانی و نیز کلیه زیرمقیاس‌های سلامت روانی و حمایت دوستان از نوجوانان رابطه معناداری مشاهده نشد. نتایج آزمون T نشان داد میزان سلامت روانی دختران به‌طور معنی‌داری از میزان سلامت روانی نوجوانان پسر کمتر است. همچنین، نتایج آزمون (GHQ-28) حاکی از اختلال بیشتر نوجوانان دختر در علائم جسمانی و اضطراب است. نتایج آزمون T نشان داد، میزان حمایت خانواده از نوجوانان بیشتر از میزان حمایت دوستان می‌باشد. به علاوه نوجوانان دختر به‌طور معنی‌داری بیشتر از نوجوانان پسر مورد حمایت خانواده قرار گرفته بودند. در حالی‌که نوجوانان پسر بیشتر مورد حمایت دوستان قرار گرفته بودند که این تفاوت در سطح معنی‌دار نبود. نتایج تحلیل واریانس نشان داد، سلامت روانی نوجوانان با درآمد متوسط خانواده بیشتر از سلامت روانی نوجوانان با درآمد پایین خانواده است. همچنین نتایج حاکی از آن بود که میزان اختلال در کنش اجتماعی در نوجوانان با درآمد پایین از میزان اختلال در کنش اجتماعی در نوجوانان با درآمد بالا و متوسط بیشتر بود. اما بین اضطراب، افسردگی و علائم جسمانی و سطوح درآمد خانواده تفاوتی مشاهده نشد و نتیجه دیگر این‌که، نوجوانانی که درآمد خانواده‌شان متوسط بود، بیشتر مورد حمایت خانواده قرار گرفته بودند و نوجوانانی که میزان درآمد خانواده‌شان بالا بود، بیشتر مورد حمایت دوستان قرار گرفته بودند. همچنین نتایج نشان داد که بین ترتیب تولد، میزان تحصیلات والدین، طلاق با فوت یکی از والدین و تعداد افراد خانواده با سلامت روانی، رابطه معنی‌داری وجود ندارد. به‌طورکلی نتایج به‌دست آمده گویای این واقعیت است که خانواده به‌عنوان یکی از منابع مهم حمایت اجتماعی احتمالاً بر سلامت روانی اعضای خانواده می‌تواند مؤثر باشد و همسالان نیز به‌عنوان کانونی برای حمایت می‌تواند مطرح باشد که احتمالاً میزان تأثیرگذاری این دو کانون حمایت، وابسته به فرهنگ می‌باشد و احتمالاً طبقه اجتماعی (وضعیت اقتصادی) و جنسیت در بهره‌مندی سلامت روانی نقش دارد.

* دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد